

رئیس - پس بموجب این پیشنهاد باید رأی مغنی بگیریم آقایانی که نمایندگی آقای ملک الشمرای را تصویب میکنند مهره سفید و آقایانی که تصویب نمیکند مهره سیاه خواهند داد .

(در اینموقع سه نفر از منشیان استخراج آراء نموده و بقراری که ذیلا مندرج است نتیجه حاصل گردید)

عده رأی دهندگان (۶۹) نفر مهره سفید هلاکت قبول (۴۴) عده مهره سیاه علامت رد (۲۵) عده .

رئیس - از (۶۹) نفر رأی دهندگان به اکثریت (۴۴) رأی تصویب شد رایورت شعبه اولی راجع بانتخاب آقای حاج اعتبار السلطنه قرائت میشود

(رایورت مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

شعبه اولی در جلسات عیدیه باعتماد نامہ آقای حاج اعتبار السلطنه نماینده بم رسیدگی نمود انتخاب بم صورت مجلس نداشته و در این باب مکرر از وزارت داخله درخواست شد که صورت مجلس انتخابات بم را بخواهند و بالاخره اخیرا تلگرافی از انجمن نظارت مرکزی کرمان رسیده در این تلگراف رؤس مسائل راجع بانتخابات بم تصریح میشود و چون شعبه از رسیدن صورت مجلس مایوس بود به تلگراف انجمن نظارت انتخابات کرمان قناعت نمود مطابق تلگراف مزبور در اساس

انتخابات بم مخالفتی با قانون انتخابات دیده نمیشود خلاصه وقایع انتخابات بم از این قرار است دفعه اولی که در بم انتخابات بعمل آمده است اکثریت با آقای ناظم التجار بوده است ولی گویا بواسطه پاره ای شکایات واصله ایالت کرمان حکم تجدید انتخابات بم مینماید و برای صحت جریان انتخابات بم مأمور مخصوص نیز از کرمان فرستاده میشود در دفعه ثانیه هم اکثریت بناظم التجار تعلق میگردد ولی چون انجمن نظارت هم مشارالیه را دارای تمام صفات و شرایط مہنه برای منتخبین ندانسته است لهذا مشارالیه را رد و اعتبار نامہ با آقای حاج اعتبار السلطنه که پس از ناظم التجار واجد اکثریت بوده است داده است مخالفین انتخاب آقای حاج اعتبار السلطنه شکایات مفصلی سکرده تصدیق نمایندگی آقای ناظم التجار را درخواست کرده اند عده دیگری اظهار موافقت با آقای حاج اعتبار السلطنه نموده اند

برای کشف حقیقت شعبه لازم دانست که از طرف وزارت داخله بمضی تحقیقات معلی بعمل آید نتیجه تحقیقات این شد که انجمن نظارت کرمان صحت انتخاب آقای ناظم التجار را تصدیق و بر عکس انجمن نظارت بم محرومیت مشارالیه را تکرار و تأکید نموده است نظر باینکه مطابق قانون انتخابات مسؤول صحت انتخابات حکومت محل و انجمن نظارت محل است نتیجه رأی شعبه اولی این شد که بر حسب تصدیق حکومت و انجمن نظارت انتخابات نمایندگی آقای حاج اعتبار السلطنه محکوم بصحت است .

رئیس - آقای ناصر الاسلام پیشنهاد کرده اند اخذ رأی در این باب موکول بجلسه دیگر شود آقایانی که پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند .

رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر رایورت راجع باعتبار نامہ آقای میرزا عیسی خان قرائت می شود

(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر رایورت راجع باعتبار نامہ آقای میرزا عیسی خان قرائت می شود

حاج عز الممالک - رایورت شعبه چهارم راجع باعتبار نامہ آقای میرزا عیسی خان را در جلسه قبل خواندم طبع و توزیع هم شده است و آقایان مسبوق هستند ولی بمناسبت این که یکی دوفتر از نمایندگان نظریاتی داشتند و میخواستند بدوسیه آن مراجعه کنند و اخیراً بمضی مراسلات هم رسیده بود بنده که مخبر شعبه هستم تصور میکنم بهتر این است یک جلسه دیگر هم شعبه منعقد و مجدداً باین اعتبار نامہ رسیدگی شود این است بنده تقاضا میکنم که این رایورت بشعبه عودت داده شود تا شعبه نظریات خود را تمام نموده بمجلس تقدیم نماید .

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند بماند برای جلسه دیگر قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد رایورت راجع باعتبار نامہ مدحت السلطنه قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

روز شنبه دوم جمادی الثانیه ۳ ساعت قبل از غروب شعبه پنجم در تحت ریاست آقای آقا شیخ یحیی نماینده محترم کرمان منعقد و بعد از دو جلسه که در باب نمایندگی آقای میرزا عبدالله خان مدحت السلطنه مذاکره بود مجدداً مطرح گردید در جلسه قبل که باعتبار نامہ آقای مذکور رسیدگی شد هر چند رفته از عموم هیئت نظار عباسی خطاب بغود آقای مدحت السلطنه بود که در آنموقع در بندر (اینکه) بودند و خواهش کرده بودند که ایشان قبول نمایندگی را نکنند تا یکدرجه صحت انتخاب ایشان را میبرورائید ولی چون صورت مجلس همراه نبود این بود که از وزارت جلیله داخله مطابق قانون درخواست شد که صورت مجلس انتخابات بندر عباس را بهر وسیله هست بخواهند در چهارم حمل تلگرافی بتوسط آقای مدحت السلطنه از حکومت بنادر بوزارت داخله رسیده بود که ترتیب توضیح اوراق تعرفه در عباسی و میناب و فرک و طارم و فرستادن نماینده برای انجمن نظار جزء و عده اوران را اظهار کرده بود و قید کرده بود که از حوزه انتخابات هیچ شکایتی هم نرسیده است ولی چون تلگراف مزبور حاوی مدت اعلان وزمان دادن تعرفه و ایام قبول آن و روزهای استخراج نبود شعبه لازم دید که مجدداً از وزارت داخله این مسئله را استفسار کند این بود که تلگراف حکومت بنادر مورخه ۲۵ حمل خطاب بمقام منبع وزارت داخله واصل و سؤالات دوازده گانه را که بامضای انجمن نظار گرفته بودند مفصل و مشروح تلگرافاً اظهار کرده بود با دقت در موارد دوازده گانه این تلگراف بر حاضرین شعبه پنجم معق شد که انتخاب آقای مدحت السلطنه از روی صحت و درستی و بمهل عموم و موافق قانون انتخابات بوده است و ظاهر آنچه چگونه ایرادی ندارد و هیچ شکایتی هم نرسیده بود فقط

عریضه از شیراز بدون امضاء رسیده و از انتخاب ایشان شکایت کرده بود که سن ایشان مقتضی نبوده و سواد فارسی کامل ندارد با اینکه شکایت از

انتخاب هر معلی فقط کسانی میتوانند بکنند در آن محل حق انتخاب داشته اند و این عریضه از شیراز بدون امضاء و مجهول بود مزید اباطلاع شعبه در این باب رسیدگی کامل کرده محقق شد که هیچ کدام از این ایرادها برایشان وارد نیست بنا بر این شعبه پنجم با اکثریت ۸ رأی از ۹ رأی حاضرین انتخاب آقای مدحت السلطنه را که با اکثریت ۵۱۸ رأی از جمله ۶۰ رأی انتخاب کنندگان انتخاب شده بودند تصدیق مینماید

رئیس - راجع بانتخاب بندر عباس مخالفی هست یا نیست؟ (مخالفتی نشد) مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانی که نمایندگی ایشان را تصدیق می کنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد دیگر چیزی در دستور نیست جلسه آتیہ روز ۵ شنبه ۳ ساعت بغروب مانده و دستور قانون تشکیلات مالبه است قبل از اینکه آقایان تشریف ببرند بکنفر بعضویت که بمسیون قوانین مالبه بجای آقای آقا شیخ یحیی که استعفا داده اند معین نمایند (مجلس نیم ساعت قبل از غروب ختم شد)

جلسه ۲۵

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۷ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳

مجلس تقریباً دوساعت ونیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت جلسه قبل قرائت شد

فائزین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسمعیل - آقای حاج میرزا شمس الدین

رئیس - در صورت مجلس مخالفی هست یا نیست؟ (مخالفتی نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد قبل از آنکه داخل بشویم در مواد راجع بقانون تشکیلات مالبه دوفقره اعتبارنامه هست که در جلسه گذشته رأی داده شد امروز مذاکره شود یکی راجع با آقای حاج اعتبار السلطنه و دیگری راجع با آقای میرزا عیسی خان - آقای سردار معظم رایورت را قرائت میفرمائید؟

سردار معظم - در جلسه قبل خوانده شد رئیس - آقای موبدالاسلام مخالفید؟ موبدالاسلام - بلی مخالفم رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر

سلیمان میرزا - کمان میکنم دیروز پیشنهاد شد که رایورت آقای میرزا عیسی خان برگردد بشعبه و در مجلس هم همین طور رأی داده نشد که در جلسه امروز جزء دستور باشد و شبهم هنوز منعقد نشده است

رئیس - پس خوبست شعبه زودتر منعقد شود و برای جلسه دیگر رایورت خود را حاضر کند و بمجلس بدهند

حالا شروع میکنیم بمذاکره قانون تشکیلات مالبه مذاکره در کلیات است آقای مدرس در کلیات مخالف هستید؟

مدرس - بلی رئیس - بفرمائید مدرس - در دوره سابقه یک قانونی از مجلس

گذشت اسمش قانون (۲۳) جوزا بود و بدبختانه از روزیکه از مادر متولد شد اسباب زحمت شد و زحماتی که در این دو سه سال بواسطه این قانون وارد شد چیزی نیست که محتاج بذکر و توضیح و بیان باشد و بعد از تامل معلوم شد منشاء این زحمات این بود که سه کار در یک مورد جمع شد که واقعا اگر آن سه کار بدست یک نفر صالحترین اشخاص هم باشد این زحمات تولید میشود

یکی تشخیص آنچه باید از مردم بگیرد یکی دیگر وصول از همان مردم و دیگری خرج کردن همان چیزیکه از مردم گرفته میشود و اختیار این سه مطلب بدست یک نفر بود و بمقیده بنده رفع آن اشکالات همان قسمی که پروگرام هیئت دولتی اشاره شده بود و نظر مردم و هیئت دولت و مجلس هم بآن است اینطور خواهد شد که این سه کار از یکدیگر تفکیک شود تا رفع این زحمات بشود یعنی تشخیص دهنده غیر از وصول کننده باشد وصول کننده هم غیر از خرج کننده باشد و شاید آن هیئتها که دیده شده بعد ها دیده نشود و زحماتی که بر مردم وارد آمد و چقدر اربابها خالصه شد و چقدر خالصهها اربابی شده محتاج بذکر نیست و صد ماتی که از این ترتیب وارد شده گمانم این است که بر افراد این مملکت واضح باشد در ولایات ما و شاید در ولایات دیگر هم همینطور باشد یک عادت عامیانه زمانه در میان مردم است که بعضی از اشخاص اولادی پیدا میکنند چند سال که میگردد یا مریض میشود یا زخمی پیدا میکنند آنوقت آن مردم جمع میشوند و میگویند خوبست که اسم این طفل را تغییر بدیم و دو نفر منجم هم زایچه میکنند و می گویند باید این اسم تغییر داده شود و حال این قانون هم تغییر اسم قانون ۲۳ جوزا داده ابداً عرضیکه میکنم مبالغه نیست و باید بلند گفت که تمام اهالی این مملکت بفهمند که و کلاشان این مسئله را ملتفت شدند که در قانون تفاوتی پیدا نشده آن اینست که در وصول مالیات (دایره یا اداره هر چه هست) بنده که اهل خبره نیستم ولی این چیزها را می فهمم که وصول از این ادارات باید مجزا شود و وصول کننده مامورش باید علیجده باشد اگر واقعا مجزا است خوبست آقای مخبر بفرمائید تا شخص بنده هم بفهمم بنده هم که اهل خبره نیستم بفهمم ضرر ندارد مثلا خالصهات و مسکوکات جزء اداره تشخیص نوشته اند اما باقیش جزء کدام اداره است معلوم نیست اگر جزء اداره خزانه داری است الاشکال الاشکال و اگر مجزا است بفرمائید آن اداره که مالیات را از محل وصول میکند آن کدام اداره است بگویند که بنده هم بفهمم و بدانم آن اشکالاتیکه در قانون ۲۳ جوزا بود در این تشکیلات رفع میشود این اجمال هراض بنده است تفصیلس را در مواد به خصوص عرض خواهم کرد .

عبدالحسین خان سردار معظم (مخبر کیمسیون) آقای مدرس سه اصل را معتقد شدند و فرمودند باید تشخیص وصول و خرج از هم تجزیه شود تا آنکه برای مالیه بتوان گفت يك اصول صحیحی اتخاذ شده است و البته خیلی خیلی خوب بود اگر میتوانستیم این سه عمل را کاملا از هم تفکیک و مجزا میکردیم وقتیکه داخل در عملیات بشویم قطع نظر از اینکه تشکیل سه اداره تولید

يك مخارج زیادی خواهد کرد و باعث مخارج کزافی خواهد بود و خزانه دولت نمیتواند او را تحمل کند در جریان عمل هم تولید اشکال خواهد کرد حالا در چه موقع جمع شدن تشخیص وصول و خرج در یکجا اسباب اشکال میشود ؟

البته در آن موقعیکه تشخیص دهنده و وصول کننده و خرج کننده مقید به بیج قبندی نباشند ولی وقتیکه مأمورین این سه کار را مقید بقبندی کردیم که نتوانند از آن تجاوز کنند یقین است قسمت اعظم آن اشکالاتی را که فرمودید مرتفع خواهد شد علی الخصوص که این لایحه راجع است به تشکیلات مرکز و لایحه راجع به تشکیلات ولایات هنوز بمجلس نیامده است و نظر دولت حقیقتا در آن باب معین نشده است ملاحظه میفرمائید در این لایحه تشخیص عایدات را مجزا نموده اند و بآن نظر که آقا فرمودند بواسطه تشخیص عایدات مقصود حاصل شده است یعنی يك اداره کلیه جزء جمعها را تهیه میکنند و میدهد بيك اشخاص و يك اداره دیگر که مكلف بوصول و تأدیبه مخارج است و در وصول خودسر نیست و مقید است بعمل مگردن دستور اداره تشخیص آنعمایمی که در کار بود ممکن است تصور بشود از خود سری وصول کننده بوده و اشکالاتیکه راجع بخرج بود در باب خود عملیات خرج نبود بلکه راجع باختیار صدور حواله بود وقتیکه خود خرج کننده اختیار حواله آن خرج را داشته باشد البته ممکن است تولید اشکال بشود ولی وقتیکه خرج را محدود کردیم بحواله دیگری آنوقت آن اشکالات فرضیه آقا مرتفع میشود

بنا بر این برای اینکه هم آن مقصود اساسی حاصل بشود و هم بواسطه تعدد ادارات و زیادتی خرج تولید زحمت برای دولت نشود این ترتیب نوشته شده و این هر دو مقصود در این لایحه منظور شده است

حاج شیخ اسدالله - بنده در کلیات این قانون دو سه نظر دارم اولاً همین مسئله که ذکر شد و آقای مخبر جوابهایی فرمودند که بنده متقاعد نشدم اشکالاتیکه سابق پیش آمده بود آقای مخبر فرمودند بواسطه این بود که خزانه داری خودش مأمور خرج بود و در خرج اشکالات تولید میشد بنده عرض میکنم در جمع هم تولید اشکالات میشد بلکه اشکالات جمع آوری زیادتر از اشکالات خرج است هم جمع و هم خرج و هم آن اختیاراتیکه بمیل و اراده خودشان داشتند اسباب اشکالات شده بود اینکه مفرمائید تشکیلات ولایات بمجلس نیامده است و در جزء تشکیلات ولایات ممکن است تکلیف وصول را معین کرده بنده تصور میکنم که تشکیلات ولایات هیچ مربوط باین مطلبی نباشد برای خاطر اینکه تعیین این مطلب در این تشکیلات باید بشود و تشکیلات اساسی در مرکز داده میشود که عبارت در جزء جمع باشد که تشخیص عایدات تغییر میکنند و خرج باشد که اداره محاسبات از آن تعبیر میشود میخوایم به بنیم مامور وصول عایدات کدام يك از این ادارات است ادارات ولایات باید از مرکز منشعب و منقسم شود و شعب ولایات بالمآل از طرف ادارات مرکزی باید منشعب شود و تمام آن تشکیلاتیکه در ولایات میشود باید در تحت نظر یکی از این ادارات باشد خودشان ادارات مستقلی نیستند که مفرمائید بدانم آنکه تشکیلات

ولایات نوشته شد تکلیف این مطلب در ضمن تشکیلات ولایات معین میشود خیر باید در ضمن همین لایحه این مطلب قطع شود که وصول از وظایف کدام يك از ادارات است و اینکه مخبر می فرمائید اگر هر آینه يك اداره دیگری که اداره وصول باشد بر این ادارات اضافه کنیم يك خرجی علاوه خواهد شد نظر بنده این نیست که يك همچو اداره تشکیل شود ممکن است مامور وصول را از تحت اراده و اختیار این اداره خارج کرد و در تحت نظر مستقیم خود وزیر قرارداد چه طور مثلا ممکن است مأمور ولایات به تعیین و تصدیق شخص وزیر باشد و لازم نیست غیر از این اداراتی که در اینجا نوشته شده است اداره تأسیس شود و خود وزیر اشخاص را برای وصول معین میکند آنوقت آن شخص که برای ولایات از طرف وزیر معین شد يك صورت جزء جمعی از اداره تشخیص عایدات باو داده میشود که مطابق این صورت از فلان محل مالیات دریافت شود آنوقت مطابق آن دستوری که باو داده شده آن مأمور از محل وصول میکند و بخرانه داری میرساند و يك صورتی هم از آن از طرف اداره تشخیص عایدات بخرانه داده میشود که این صورت بمأمور داده شده و مطابق این صورت باید از مأمورین مالیات دریافت کنند آنوقت در آخر هر برج مأمور مالیه يك صورتی بتوسط خزانه داری وصولی خودش را برای اداره محاسبات میفرستد اگر هر آینه باقی داشته باشد آن وقت رسیدگی بحساب میکنند اگر باقی ندارد حساب او را خاتمه داده و يك نوشته مفصالی باو میدهند دیگر يك اداره فوق العاده لازم نیست اضافه شود که بواسطه این اداره بر مخارج افزوده شود فقط نکته این است که مأمورین مالیه که بولایات میروند از طرف خزانه دار نباشند و بامر وزیر مالیه باشد وظایف آنها معلوم است يك صورت جزء جمع اداره تشخیص بآن ها میدهد و آنچه وصول کرده با اداره خزانه میبردازد و باین نظر گمان نمی کنم بر مخارج افزوده شود يك نظر دیگری هم بنده دارم که در ضمن مقدماتی که وزیر مالیه در مقدمه لایحه خود می نویسد این تشکیلات لدی الاقتضا در ولایات تأسیس میشود کمیسیون هیچ معترض نشده و بمقیده بنده تا تشکیلات ولایات معلوم نشود تشکیلات مرکز هیچ فایده ندارد زیرا که تمام زحمات و اشکالات راجع بولایات است تا تکلیف ولایات معلوم نباشد تشکیلات مرکزی فایده ندارد و باید به بنیم ترتیب ولایات چه میشود زیرا عمده مالیات راجع بولایات است و اگر هم مالیاتهای اطراف شهر را جمع بکنند آن هم تشکیلات مرکزی را شامل نمیشود و در جزء تشکیلات ولایات باید نوشته شود و تا وقتی که تشکیلات ولایات و نظریاتی که در باب ولایات هست منضم باین قانون نشود نوشتن این قانون تصور می کنم بی فایده باشد و نمیدانم وزیر در این باب چه نظری دارند و هر نظری دارند باید باین لایحه ضمیمه بشود هراض دیگر هم راجع بمواد دارم انشاء الله در ضمن قرائت مواد عرض خواهم کرد .

رئیس - ای املاع آقایان عرض می کنم موادی که راجع بولایات است رسیده و به کمیسیون فرستاده شد و تا دو سه روز دیگر حاضر میشود و راپورت آن بمجلس خواهد آمد .

حاج عز الممالک - آقای حاج شیخ

اسدالله در هر دو قسمت اظهارات خودشان بقیه بنده داخل تشکیلات ولایات شدند و تقریباً میشود گفت توجهی به تشکیلات مرکزی نرموده اند بجهت اینکه اساس نظریات ایشان به تفکیک قوا بوده و بقیه بنده در تشکیلات مرکزی راهب این مسئله شده است زیرا اگر ما امروز تمام این اختیارات را در یک اداره جمع میکردیم مثل سابق بود فرق با قدیم نداشت و این لایحه بکلی قوا را از هم تفکیک میکند و اصول تشکیلات مالبه را معین میکند و بموجب موادی که طبع و توزیع شده است و آقایان مسیوق هستند لازم نیست بنده توضیح بدهم تکلیف هر یک از این ادارات را معین میکند مثلا اداره تشخیص جزء جمع را معین میکند و بامورین مالبه اطلاع میدهد بلکه دو مواقع خودش بنظر عموم هم میرساند که مالبیات دهندگان و وصول کنندگان هر دو از عملیات اداره تشخیص اطلاع پیدا میکنند و مالبیات دهندگان میدانند که بدنی آنها در مقابل دولت چیست و مامورین مالبه خواهند فهمید که از روی چه قرار باید مالبیات را دریافت کنند این نیست مگر بواسطه تفکیک قوا و منظور که آقای سردار معظم فرمودند قسمت عمده مطالبی که تا بحال اسباب تولید زحمت شده بود نسبت به پرداخت مخارج بود حالا صدور حواله را یکی از مختصات وزیر تصور کرده ایم و علاوه یک کمیسیونی هم قائل شده ایم که حوالجات را با بودجه و معاملاتی که معمول است مطابقت کند و تا وزیر و کمیسیون امضا نکنند هیچ پولی پرداخت نخواهد شد و برای محاسبه هم بیک اداره محاسبات کمال قائل شدیم که مالبی مالبه در آخر هر برج مکلف هستند محاسبات خود را بآن اداره بدهند و آن اداره محاسبات آنها را بکند و معلوم باشد که جمع و خرج مملکت در چه حال است و از یکطرف برای رفع شکایات مردم قائل بیک محاکمه هم شده ایم که اگر از طرف تشخیص مالبیات شکایاتی داشته باشند در آن مجلس محاکمه شود و رفع تظلمات مردم هم بشود و بقیه بنده تفکیک این ادارات و وظائفی که در این لایحه برای آنها تصریح شده است خیلی خوب موفق می شویم باین که نسبت به تشخیص و وصول و پرداخت حوالجات و محاسبات هیچ اشکالی پیش نیاید اما همانطور که در ابتدای عرض خود اظهار کردم هر دو قسمت فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله راجع به ولایات بود که مأمور وصول کی خواهد بود و از طرف کی معین خواهد شد و چه خواهد شد و بالاخره بعد از اظهارات مفصل خودشان قائل شدند که اگر یک نفر مأمور از طرف وزیر مالبه بولایات برود رفع اشکالات خواهد شد در این لایحه هیچ گفته نشده است که مأمور وصول مالبیات یعنی پیشکار مالبه یا امین مالبه از طرف کی فرستاده خواهد شد حالا در نظر اداره تشخیص بگذاریم یا اداره خزانه داری یا محاسبات در هر صورت وظایف او باید طوری باشد که محدود باشد چه ارجحیت پرداخت و چه از حیث وصول نتواند از حدود خود تجاوز کند پس این تشکیلاتی که در مرکز داده شده و تفکیک قوائی را که ما قائل شده ایم و عجلتاً در موضوع همین تشکیلات مرکزی مذاکره میکنیم بقیه بنده کامل است ولی

در آن قسمتی که مأمورین از طرف کی معین خواهند شد ممکن است نظریات مختلف باشد و یکی از نمایندگان قائل باشد که باید در ولایات اداره تشخیص علیحده باشد اداره وصول علیحده باشد پرداخت مالبه این اداراتی را که در مرکز تشکیل کرده ایم در ولایات هم تشکیل نمائیم و ممکن است یک نفر پیشکار مالبه که بولایات میرود در تحت نظرات ادارات مختلف تشکیل شود و روابط او با تمام این ادارات محفوظ باشد یعنی از حیث تشخیص با اداره تشخیص از حیث محاسبات با اداره محاسبات از حیث پرداخت با اداره خزانه داری و همین طور نسبت به تمام این امور در مقابل وزیر مالبه مسئول باشد یک نظر دیگر این است که یک نفر مالبیات را وصول کند یکی دیگر تأدیبه بکند و اینها نظریاتی است که بعد گفته خواهد شد و جایش اینجا نیست که ما بگوئیم آیا مأمورین مالبه در هر نقطه یک نفر باید باشند یا چند نفر و در تحت نظر کدام اداره فرستاده شود بقیه بنده حالا جای این مذاکرات نیست ما امروز میگوئیم اقتدارات وزارت مالبه که در یکجا جمع شده بود باید تفکیک شود قسمت قسمتی شود اداره مرکز که هیچوقت مالبیات وصول نمیکند که ما بگوئیم اداره تشخیص وصول میکنند همیشه آن مأمورین بولایات میروند مالبیات را وصول میکنند فرستادن او از طرف کی یا از طرف کدام اداره باشد هم بواسطه اینجاست هیچوقت خزانه داری وصول نمیکند اداره تشخیص وصول نمیکند و همچنین اداره محاسبات وصول نمیکند اینها اداراتی است که در مرکز تشکیل میشود ولی نسبت به وصول عایدات ممکن است عقاید مختلف باشد بعضی بگویند بایستی در هر ولایات یک نفر مأمور مستقل داشته باشیم و یک پیشکار مالبه که بولایات رفت در تحت ریاست عالی وزیر مالبه روابط خودش را با تمام این ادارات محفوظ نگاه بدارد یعنی مالبیات را وصول میکند مطابق دستور العمل اداره تشخیص و نتواند یک دینار مالبیات بگیرد دیگر مطابق آن صورت جزء و جمعی که با او داده شده است و هیچ حواله را نتواند ببرد مگر اینکه آن حواله بموجب قانون بامضای وزیر مالبه و همچنین به تصویب کمیسیون تطبیق حوالجات رسیده باشد و محاسبات خودش را مرتباً با اداره محاسبات بفرستد و همچنین اگر تعدیاتی بر مردم کرد در اداره محاسبات محاکمه خواهد شد و یا این که با زهم ممکن است تجزیه شود یک قسمتی دیگر اضافه شود و هیئت وزراء و کمیسیون مالبه چنین تصور کردند که این تشکیلات از برای وزارت مالبه کافی هست و اداره دیگری لازم نخواهد بود و همانطور که آقای رئیس فرمودند لایحه تشکیلات ولایات هم بمجلس آمده است و هنوز هم ما مشغول شور اول هستیم تا شور اول تمام نکرده ممکن است آن لایحه هم بمجلس بیاید آنوقت اگر دیدند که مسئله وصول و پرداخت بانظر ایشان نوشته شده آقا ممکن است مخالفت کنند ولی امروز این تشکیلاتی که ما برای مرکز قائل شده ایم کامل است ممکن نیست مخالفت کرد

خواهد بود در هر صورت آنجا بیکه پولها باید جمع شود خزانه است پس آن قسمتی که در تشکیلات مرکزی منظور شده و وظایفی که در مرکز برای خزانه معین شده است جمع آوری تمام عایدات دولتی است اهم از اینکه بتوسط مأمورین خودش وصول شود یا بتوسط مأمورین اداره دیگری باز تکرار میکند که در باب وصول و در باب مأمورین ولایات چنانکه در مقدمه این لایحه ملاحظه میفرمائید دولت خودش هنوز تصمیمی نکرده و باین ملاحظه بود که در مقدمه این لایحه که پیشنهاد کرده است تشکیلات ولایات را متذکر شده و تازه امروز قانون تشکیلات ولایات به کمیسیون آمده است و هنوز نظر کمیسیون در باب تشکیلات ولایات معلوم نیست پس باین جهت بنده هیچ وارد تشکیلات ولایات نخواهم شد که آیا مأمورین وصول در ولایات از طرف خزانه دار خواهند بود یا از طرف وزیر مالبه یا اداره دیگر و وظایف آنها چه خواهد بود پس از آنکه نظر کمیسیون معلوم شد آنوقت بنده هم از نظر کمیسیون دفاع خواهم کرد و اگر اصول تشکیلات مالبه را در نظر بگیریم خواهیم دید که باید وزارت مالبه بچند قسمت منقسم شود یکی مالبیات یکی تشخیص - یکی وصول - یکی محاکمه - یکی خرج و اگر تمام این مسائل را در یکجا جمع کنیم البته مثل سابق تولید اشکال خواهد شد ولی اگر هر یک یا چند تا از این ادارات را از یکدیگر جدا کنیم و برای هر یک ادارات مستقلی معین نمائیم تمام آن ادارات را در تحت مسئولیت و ریاست مستقیم وزارت مالبه قرار بدهیم آنوقت اگر باز بگوئیم وقایع و شکایات گذشته تکرار خواهد شد تصور نمیکنم صحیح باشد بلی اگر حواله و تشخیص وصول - خرج - محاکمه - محاسبه در یکجا جمع بود آن اشکالات را داشت اما اگر دقت بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود در این تشکیلات تخصیص شده است بوزیر مالبه تشخیص عایدات رجوع شده است بیک اداره مستقل دیگر یعنی خزانه گرفته شده است و محاسبه هم از خزانه گرفته شده است و وظیفه او را برای اداره محاسبات قائل شده اند و بالاخره برای اینکه دفع قسمت اعظم شکایات مردم بشود یعنی همان شکایاتی که بواسطه نداشتن اداره مخصوص بود قائل بدو محاکمه شده اند یکی محاکمه حقوقی یعنی آن قسمتی از شکایات که راجع است بامور حقوقی و دیگری محاکمات جزائی که آن مجلس مشاوره عالی باشد فقط چیزیکه مانده است وصول و تأدیبه خرج است که داده شده است بیک اداره باز هم تکرار میکنم که ممکن است در ضمن تشکیلات مالبه ولایات جمع آوری و وصول هم بیک اداره مرکزی واگذار شود یا اینکه واگذار نشود و اداره جداگانه داشته باشد در صورتیکه تمام این اختیارات از یک اداره گرفته ایم و تمام اختیارات او را بدو مسئله که عبارت از جمع آوری و خرج باشد نمودیم و جمع و خرج را هم مقید بحدود مینی کرده ایم بنده اطمینان میدهم که شکایات گذشته تکرار نخواهد شد

می نمایم و نظریات خود را در این ورقه نوشته عرض آقایان میرسانم و ابتدا عرض میکنم قانون گذار که میخواهد قانونی بگذارد باید قانونی که وضع میکنند یک قانون معینی باشد و الا اگر قانون مجمل شد و محدود نشد همان هیولیات و محظورات اولیه پیدا میشود که از قانون ۲۳ جوزا پیدا شد بدیهی است که قسمت عمده تشکیلات ادارات مرکزی منتهی بر اساسی است که در تشکیلات ولایات و مرکز ایالات وضع شده مجور دوران منتهی بر مرکز کل خواهد بود پس بایستی در مراکز بقتدر کفایت مرجحات در مراکز مزبور اداراتی پیش بینی شود مثلا امور مالبه که از مملکت خراسان بر گزار جاع میشود چه از حیث جمع و عایدی و چه از قبیل مخارج اداری و اعتباری و حواله کرد خزانه کل و غیره که پیشکار مالبه خراسان متصدی اخذ و ایصال آنست با طریق مأمورین آنجا و کیفیت تأسیس آنجا معلوم شود که آیا مأمورین در آن نقطه بچه نحو عملیات مالبه آنجا را اداره مینمایند آیا مسؤلیت داد و ستد کلیه عایدات بر عهده رئیس کل است که از طرف خزانه مأمور شود و مشارالیه حساب خود را در مرکز کل بفرزانه خواهد پرداخت یا از طرف محاسبات کل هم هیئتی به خراسان مأمور خواهد شد و ثانیاً - در ولایات جزء و بلوگات آنجا هم باید همین دودسته مأمور که اداره محاسبات و اداره خزانه باشد اهرام شوند یا بیک دسته از آنها که که مأمورین خزانه باشد تنها اکتفا خواهد شد بر تقدیر اینکه در دسته باشند تولید مخارج گزارنی برای دولت خواهند نمود علاوه بر آنکه خدای نخواسته محتمل است از خدمت این دودسته مالبه دولت بعهده تعطیل بماند و اگر فقط مأمورین مجلهای جزء منحصراً بامورین خزانه است تقص عرض خواهد شد زیرا که در اینصورت تشخیص حساب برای اداره محاسبات مأمور خراسان منوط بقلمداد مأمورین جزء خزانه آنجا خواهد بود علی التقدیر این ارتباط آنها با مرکز کل منوط بر تعیین دوایر و مأمورین آنجا خواهد بود که تا میزان اعمال و ترتیب مأمورین خراسان با سایر ایالات و ولایات محروسه معلوم نشود اساس مرکز بقیه اینجاست ممکن نیست از روی بصیرت داده شود اداره تشخیص عایدات را در صورتیکه یک اداره کل محاسبات از روی صحت دائر شود مادامیکه اداره ممیزی برقرار و تشکیل نشده است تا بیک اندازه میتوان خالی از اسلحت شمرد زیرا که این اداره فقط شفلی را که میتوان بالاخره متکفل شده همان نگاهداری جزء جمعی قدیمی است و چنانچه ممیزی پیش نیاید چندان قفل و انفالی در این جزء وجودها حاصل نخواهد شد و اگر حاصل شود یا بتوسط مأمورین خزانه یا از طرف محاسبات کل که در ولایات هستند اطلاع و سابقه باین اداره خواهد رسید و خود این اداره راساً دارای شب و مأمور مخصوص ولایات و ایالات نخواهد بود پس ممکن است اینجا اداره فرض کرد و بامختصر اجزائی تصویب شود بقیه اینک هر وقت هیئت ممیزی مأمور ولایات شد در تحت نظارت این اداره بوده و هر قدر بر حوزة ممیزین افزوده شود اینجا هم قابل توسعه باشد اما اداره کردن خالصجات نمیتواند جزء شعب این اداره باشد زیرا که مدیر خالصجات

البته باید طرف حساب و مباشر دولتی باشد و خود یکی از صاحبان جزء این محسوب میشود علیهذا نمیتوان او را جزء اداره تشخیص عایدات قرارداد بعلمت اینکه مستاجر و مباشر نباید مشخص جمع و عایدی خوبتر باشد و همچنین است ضرابخانه که آنهم یک قسم از مباشرین دولت محسوب می شود و بر حسب قواعد عقلیه نباید مباشر را تشخیص دهنده حساب نمود پس بایست این دو اداره هم جزء خزانه کل باشد و اما تشخیص عایدی این دو اداره با سایر دوایر بر عهده محاسبات کل است بنابراین دایره تشخیص عایدات با مختصر اجزائی میتواند وظیفه فقره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ را بر عهده بگیرد رئیس - کمان می کنم بهتر این باشد که با نطق آقای سلطان العلماء بنده خاتمه داده شود مذاکرات کافی هست باینست رأی میگیریم که مذاکره در کلیات کافی است یا نیست آقایان بیکه مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند (عده فلبلی قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد **معدل الدوله** - اولاً بنده حق میدهم بهر کس که در مورد این لایحه خیلی دقت و احتیاط بکند که این لایحه تشکیلات باینکه نظر خیلی دقیقی از مجلس بگذرد زیرا که اوضاع گذشته یک تجربیاتی آموخته است که اگر دقت نکنیم شاید دچار اشکالاتی شویم بنده در خاطر دارم که قانون ۲۳ جوزا را باینکه طبعی بنای رأی دادیم و چون یک اندازه مجمل بود و دیگران از آن استفاده های غیر مشروعی کردند که هیچ منظور و مقصود و کلا نبود ولیکن خاطر آقایانی را که در باب این لایحه مخالفت میکنند مستحضر میکنم که اولاً در اصل تشکیلات مالبه نباید هیچ اشکالاتی داشته باشند و باید مالبه مملکت تشکیلاتی داده شود بواسطه اینکه حالت گذشته حالت خرابی نبود که بشود آنرا قبول کرد وقتیکه در لزوم تشکیلات مالبه متفق و متحد شدیم چیزیکه بنظر میرسد این است که حالت سابقه و اوضاع پیش تجدید و تکرار نشود و آن اوضاع را درست دقت کنیم به بینیم چه بود و ترتیب امور مالبه چندی قبل یعنی قبل از (۲۶) حوت که قانون نسخ قانون ۲۳ جوزا از مجلس گذشت وضع این بود که یک شخص واحد به تمسک قانون (۲۳) جوزا و اینکه عرض میکنم تمسک قانون (۲۳) جوزا صریح است بجهت اینکه قانون (۲۳) جوزا اینقدر باو قدرت نداده بود او از هر کس مالبیات میخواست میگفت اینطور معمول بوده است اگر هم شکایتی میکرد که معمول اینطور نبوده است مرجی از برای شکایت نداشت پس هر چه را که خودش تشخیص و تمین میکرد و دلش میخواست همان را میکرد و هر چه میخواست خرج میکرد یعنی تکیه میکرد بیک ماده آن قانون که (صرفه جوئی مالبه دولت باشد) و هیچ انتظار نداشت که دولت از برای او خرج معین کند بلکه نظر بآن ترتیبی که پیش گرفته و بهمان اقتداریکه در قبضه خودش گرفته بود خرج میکرد چنانکه همه آگاه و مستحضر اند که چه مخارجی شد که دولت و نه ملت خبر داشت پس معلوم شد بواسطه آن قدرتی که در دست گرفته بود میگرفت آنچه را که میخواست و مبداد آنچه را که دلش میخواست

سلطان العلماء - بنده یک نحو اظهار مخالفت میکنم و یک نحو از عقیده کمیسیون استیضاح

وهر کس تظلم و شکایت میکرد مرجعی نداشت حالا به بینیم این قانون تشکیلات چه شکل است این قانون تشکیلات سه اصل کلی را از خزانه داری بکلی جدا کرده است مسلم است هر کس که مأمور مالیه باشد وقتی که نوشته و صورت جزء و جمع در دست ندارد یعنی آنچه باید بگیرد تشخیص داده نشده باشد هر چه دلش میخواهد بگیرد زیرا که تشخیص داده نشده است مردم چه قدر مالیات باید بدهند ولی بالعکس هر کس هر قدر هم متمدی و ظالم باشد اگر نوشته در دست داشته باشد غیر از آنچه که نوشته و تشخیص داده شده نخواهد توانست از مردم بگیرد و مسلماً از این راه نمیتواند تمدی بکند و اگر بخواهد تمدی بکند رسیدگی از آن سهل خواهد بود و بواسطه اینکه دریافتی او را مطابق میکنند با آنچه که در اداره تشخیص برای او معلوم و معین شده است و این اداره تشخیص صورت جزء و جمع و مالیات را یعنی آن هایداتی که در ولایات با اضافاتی که معمول است و مشروع است مربوط است مالیات هائی که سابق بوده است تدوین میکنند و به نظر وزیر مالیه میرسد و پس از اینکه با مضای وزیر مالیه رسید آنرا طبع و توزیع میکنند و بولایات میفرستند و تمام مالیات دهندگان در دست خواهند داشت این خود یک سندی است که در دست آنها که مأمور مالیه هر کس باشد نمیتواند برخلاف آن کاری بکند زیرا بآن صورت نگاه میکنند میگوید دولت برای من فلان مبلغ مالیات معین کرده است قبض مالیات را ارائه بده هر چه نوشته شده است میدهم پس از این راه از این حیث آسوده میشویم انشاء الله قانون تشکیلات که بگذرد تشخیص صورت جزء جمع داده خواهد شد و چنان میشود و هر کس اشتباه و اشکالی داشته باشد میتواند توضیح بخواهد و از روی دایل و مأخذ رفع اشکالات او میشود.

آمدیم برس مخارج وقتی که یک کس بگوید هر چه دلم میخواهد میدهم البته صحیح نیست ولی حالا وقتی میتواند آن حواله را بدهد که وزیر امضا کرده باشد و نمیتواند آن حواله را نهد و یک حواله را برد دیگری ترجیح بدهد مگر بر طبق قانون محاسبات عمومی در بیست و چهار ساعت فاصله با دلایل مبرهن جواب بدهد و بوزیر مالیه بگوید که من که تعویلات هستم و با این دلایل احساس کرده ام که این حواله بی ترتیب صادر شده است اگر مجدداً حکم صادر بشود وزیر مالیه در مقابل مجلس و ملت مسئول است چیز دیگری که برای حوالجات هست و در این تشکیلات متعرض شده ایم این است که یک کمیسیون آن حوالجات را تشخیص بدهد و با بودجه ها تطبیق بکند در اینجهام در واقع ما از سهو و نسیان محفوظ مانده ایم بواسطه اینکه کمیسیون که این حوالجات را تطبیق میکند در واقع یک دیوان محاسبات کوچک است که رسیدگی بحوالجات میکند اما مسئله وصول چون هنوز تشکیلات ولایات نیامده است معلوم نیست که چه طور در او نظر خواهند نمود آیا مأمورین آن از طرف کی خواهد بود؟

آیا یک مأمور مخصوص خواهد داشت حالا فرض میکنم خود این شخص یعنی خزانه داری مأمور وصول باشد و قتی که او نتواند بدهد و

تواند بگیرد مگر آنچه را که باو گفته اند یعنی نتواند پولی بدون حواله بدهد و نتواند با حواله نهد و قتی که حواله بدستش رسید مجبور است وجه آن را بدهد بنده تصور میکنم هیچ اشکالی نداشته باشد و تعویلات مالیات را از روی قیوضیکه معین کرده اند وصول میکند در مقابل هم یک معاکماتی هم گذاشته اند که اگر یکشاهی از آنچه مشخص کرده اند زیاد تر گرفت معاکمه و مجازات شود بنده بی اطلاع نیستم لایحه ای را که دیدم در آن لایحه تشخیص داده اند که مأمورین و امنای مالیه مستقیماً از طرف وزیر مالیه مأموریت پیدا کنند و از برای آنها وظایفی معین کرده اند که مالیات را مطابق دستوری از مرکز از طرف وزیر مالیه بآنها داده شده است بگیرند و حوالجاتی که توسط خزانه داری بآنها میرسد بپردازند مشروط بر اینکه تصدیق کمیسیون تطبیق حوالجات را داشته باشد و محاسبات خودشان را بیک اداره مستقل دیگری که اداره محاسبات است بفرستند

اگر درست ما دقت بکنیم می بینیم که آنچه مقصود ما است از این لایحه که از طرف وزیر مالیه پیشنهاد شده و بکمیسیون رجوع شده است بعمل میآید و تمام منظور ما همین است و چیزیکه مذاکره شده خیلی دقت بشود که تشخیص وصول با یک نفر نباشد آنها مراعات شده است بواسطه اینکه در ولایات محتاج یک مأموری برای تشخیص نیستیم زیرا که تشخیص از مرکز داده میشود و تشخیص دادن آن کتابچه های جزو جمعی است که در قدیم هم معمول بوده و حکام مطابق همان صورت جزو جمعه مالیات میگرفته اند و ما دقتی که باید داشته باشیم در این است که این تشکیلات بهمین طوری که نوشته شده است بوقع اجرا گذاشته شود و بنده خاطر آقایان را متذکر میسازم چون خیلی دلتنگی دارند و البته حق دارند چون وظیفه هر دولت و ملت خواهی است که در این لایحه دقت بکند و بدانیم که بواسطه این تشکیلات خیالمان آسوده میشود یعنی موفق میشویم بر اینکه بدانیم چه میگیرند و زیاد نمیگیرند و بدانیم چه خرج می شود و یک شاهی زیاد خرج نمیشود و اما این لایحه که آقای سلطان العلماء خواندند در واقع راجع بنظامات اداری بود و خیلی خوب بود برای موقعی که لایحه و نظامنامه ها بکمیسیون قوانین مالیه می آید این لایحه خیلی بدرد ما خواهد خورد و ما را به نظامات اداری متذکر خواهند نمود

آقای سید فاضل - بنده اول اظهار تعجب می کنم از اینکه آقای مخبر میفرمایند اداره جمع و وصول راجع بتشکیلات ولایات است

اداره جمع دو حیثیت دارد یکی حیثیت گرفتن از مردم یعنی از مالیات دهندگان جزء این راجع است بولایات و قتی که لایحه تشکیلات ولایات ب مجلس آمد در آن مذاکره خواهیم کرد و یکی اداره جمع آوری کل است

این مسئله در تشکیلات مرکزی باید معلوم شود و همینطور که اداره تشخیص در مرکز معین شده اداره جمع کلی هم باید در مرکز معلوم باشد که داخل در شغل خزانه یا خارج از خزانه است شغل خزانه داری جمع و خرج است یا حقیقتاً

این بود که حاکم بر آن کسیکه تظلم مینمود همان شخص ظالم بود امروز بواسطه معاکمه که قانون گذار در نظر گرفته است بکلی رفع این محظورات میشود و اینکه میفرمایند مأمور وصول باید یک کسی دیگر باشد بنده خیلی تعجب میکنم که چرا آقایان از خزانه داری اینقدر وحشت دارند خزانه دار بودن هیچوقت سبب تجاوز نمیشود مطلق العنان بودن خزانه دار سبب تجاوز میشود اما خزانه داری که تمام ترتیبات محدود شده است و همینطور که در این قانون نوشته شده است او را محدود کرده اند بهیچوجه نمی تواند تجاوز بکند و کاملاً قوانین مالیه مادر تحت یک تنظیمات اساسی خواهد شد که هیچ قسم تشکیلات دیگری مقتضی نیست قطع نظر از آنچه که آقایان در نظر دارند یک قسمت از نظر مجلس این است که از مخارج بکاهد یعنی تقلیل در مخارج کند بنابر این بخیال موهومی که اگر همچو اداره تأسیس کنیم از یک مضرات موهومی جلوگیری خواهد کرد این صحیح نیست و بعلاوه اگر بخواهیم این اداره را تأسیس کنیم خیلی دایره آن وسیع خواهد شد و مخارج زیاد لازم خواهد داشت

بنده تصور می کنم اگر وارد در مواد بشویم کلیه این اشکالات و اظهارات رفع میشود و هیچ یک از این اشکالات باقی نمیماند

حاج شیخ اسدالله - در اینجا آقای مخبر و آقای حاج عزالمالک اظهار فرمودند که این تشکیلات فقط راجع بر مرکز است و تکلیف وصول مالیات در ضمن تشکیلات ولایات معلوم میشود - خلاصه فرمایشات ایشان این بود -

بنده خیلی از این مطلب تعجب میکنم برای اینکه تشکیلات ولایات را خودشان تصدیق دارند که یک شعبه از یک شعبه مرکز است و عمده تشکیلات همین است که نوشته شده و عمده اختیارات همین است که باین ادارات داده میشود و حدود اختیاراتی که در این تشکیلات معلوم میشود همین اختیارات به ولایات منسب خواهد شد اگر هر آینه ما اختیارات وصول را با اداره خرج دادیم یا مستقیماً یک اداره برای جمع تأسیس کردیم یا بکمیسیون خود خزانه مأمور وصول است یا بیک اداره دیگر رجوع کردیم اثرش اینست که مستقیماً خود آن اداره باید در آن کار نظارت بکند و باید از طرف همان اداره مأمور به ولایات برود و این از وظایف آن اداره است که در مرکز تأسیس میشود آنوقت تکلیف وصول مالیات معلوم خواهد شد که بعهده کی خواهد بود بنده خیلی تعجب میکنم باینکه آقایان در کمیسیون بوده اند باز هم این فرمایش را میکنند بنده عرض میکنم در ضمن این تشکیلات باید معرز شود که وصول مالیات بعهده کیست اگر بخواهند بفرمایند بعهده خزانه دار است یعنی خزانه دار هم مأمور جمع است هم مأمور خرج ابتدا نمیشود همچو چیزی را تصور کرد که اختیار جمع و خرج هر دو در دست خزانه دار باشد بلی این نظری را هم که میفرمایند اداره جزو جمع نمی تواند مأمور وصول باشد بنده تصدیق دارم - پس از اینجا یکی از دوشق را ممکن است اتخاذ کرد یا اینکه یک اداره جمعی در ضمن این تشکیلات اضافه کرد یا یک بودجه خیلی

مختصر که یک مدیر و چند نفر اجزاء در مرکز باشند و ولایات یا پیشکار مالیه باشد که برای ولایات یک بودجه غیر از بودجه حالیه ولایات نوشته نشود فقط یک اداره مختصری در مرکز تشکیل شود یا این که این اختیارات از تمام ادارات گرفته شود اداره وصول هم جزء اداره خزانه باشد خزانه هم نمی تواند یک مأمور جمع و یک مأمور خرج از خودش داشته باشد و اگر بخواهیم یک اداره جمع تأسیس کنیم می فرمایند بر بودجه اضافه خواهد شد بنده هم تصدیق دارم پس رفع این اشکال باین میشود که مأمورین و پیشکاران مالیه که در ولایات میروند تعیین آنها بتصویب شخص وزیر باشد آنوقت وظایف آنها مطابق این قانون معین است چه چیز است مطابق صورت جزو جمعی را که اداره تشخیص عایدات با آنها میدهد مطابق آن وصول کنند و در آخر هر برج یا آخر هر هفته بخزانه بپردازد و از آن اداره رسید دریافت کند و در جزء صورت حساب خودش با اداره محاسبات کل بدهد و بهمین ترتیب تا سال بگذرد و بحساب او رسیدگی شود بنده گمان میکنم باین ترتیب مخارج ابتدا اضافه نمیشود و این اشکالات هم رفع میشود و اینکه می فرمایند چون نظریات در اینجا مختلف است تکلیف وصول در تشکیلات ولایات معلوم میشود که کدام یک از ادارات مأمور وصول باشند بنده بخواهم عرض کنم باید در ضمن همین لایحه معلوم شود و منتظر تشکیلات ولایات نباشیم

سردار معظم مخبر - با اظهار تجبیبی که آقای حاج شیخ اسدالله از عرایض بنده فرمودند متأسفم که نمی توانم جواب فرمایشات ایشان را بدهم زیرا که طبعاً مجبور خواهم شد که داخل در تشکیلات ولایات بشوم و آنوقت میترسم که آقای رئیس بفرمایند خارج از موضوع است

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (جمعی گفتند کافی است) رأی می گیریم آقایان باینکه مذاکرات در کلیات را کافی میدانند قیام نمایند (همه کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس داده میشود و بعد از تنفس داخل در مواد میشویم (در این موقع تنفس داده شد و پس از ده دقیقه مجدداً مجلس تشکیل شد)

رئیس - آقای معاون اظهار داشتید؟

معاون وزارت جنگ - هنگامیکه پروگرام وزراء تقدیم مجلس شورایی شد و در ضمن مواد راجع به لوایح قانون وزارت جنگ اظهار شده بود که در تحت مذاقه و مطالعه است فعلاً دو فقره لایحه یکی راجع بسربازگیری و یکی راجع به مراتب و ترتیب ترفیع درجه نظامی حاضر شده است و از طرف حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء تقدیم میشود

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون نظام

معاون وزارت خنک - بودجه وزارت جنگ هم آنچه راجع بر مرکز بود تهیه و بوزارت مالیه فرستاده شده که از آنجا ب مجلس تقدیم شود

وزیر معارف - این پیشنهادی است راجع به وزارت اوقاف تقدیم میشود

رئیس - بکمیسیون معارف و اوقاف رجوع میشود قانون تشکیلات مالیه مطرح است رأی گرفتیم

درو کافی بودن مذاکرات حالا باید رأی بگیریم که داخل در مواد مذاکره شویم آقایانی که تصویب میکنند داخل در مذاکره مواد شویم قیام نمایند (همه کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود (ماده اول از لایحه وزیر مالیه به مضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - وزارت مالیه به تقسیمات ذیل منقسم می شود :

- (۱) دایره وزارت
- (۲) دایره تشخیص عایدات مستقیم و خالصجات و مسکوکات
- (۳) اداره خزانه داری کل
- (۴) اداره محاسبات کل مالیه
- (۵) اداره دیون عمومی و وظایف
- (۶) اداره گمرکات
- (۷) اداره محاکمات مالیه
- (۸) کمیسیون تطبیق حوالجات
- (۹) اداره پرسنل و ملزومات
- (۱۰) مجلس مشاوره عالی برای محاکمات اداری

ماده اول از راپورت کمیسیون قوانین مالیه باین مضمون قرائت شد :

ماده اول - وزارت مالیه بتقسیمات ذیل منقسم می شود :

- (۱) دایره وزارت
- (۲) اداره کل تشخیص عایدات و خالصجات و مسکوکات
- (۳) اداره خزانه داری کل
- (۴) اداره محاسبات کل مالیه
- (۵) اداره گمرکات
- (۶) اداره محاکمات مالیه
- (۷) کمیسیون تطبیق حوالجات
- (۸) اداره پرسنل و ملزومات
- (۹) مجلس مشاوره عالی برای محاکمات اداری

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله در فقره اول از ماده اول مخالفید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی عرض دارم در اینجا بنده تصور میکنم یک اصلاح جزئی لازم است و آن اینست که در اینجا اداره وزارت بدایره وزارت تغییر کرده است و اداره وزارت هم دارای اداره کابینه و اطاق خود وزارت است و علاوه بر آن تغییر کردن اداره وزارت بدایره بکفدری خارج از نراکت عبارتی است بنده تصور میکنم دایره را به اداره تبدیل کنند بهتر است

سایرمان میرزا - در لایحه وزیر از برای دیون عمومی هم یک دایره ذکر شده بود و در راپورت کمیسیون اسمی از آن دایره برده نشده است آیا مقصود از حذف این عبارت چیست؟

رئیس - منا کره راجع بقره اول است

منتصر السلطان - در اینجا که دایره وزارت ذکر شده است عرض میکنم بفرآخور حال خودش اهمیت دارد بدایره وزارت نیست اداره وزارت گفت دایره وزارت فقط تشکیل کابینه میدهد و مدیر کل از برای دایره وزارت نیست فقط دایره وزارت یک دارالانشائی است و نمی تواند اداره نوشت

حاج شیخ اسدالله - بنده زیاد اصرار باین مطلب ندارم زیرا که يك اشكال اساسی نیست ولی دایره باید در تحت يك اداره باشد و کابینه وزیر در تحت ادارات دیگری نیست اداره وزارتی را تغییر بدایره کرده و اداره جمع را تغییر بناذاره کردن خوب نیست ممکن است در اینجا دایره را تغییر بداره بدهند اگر آقای مخبر قبول میکنند خیلی خوب است والا عرضی ندارم

سردار معظم مخبر - نظر باینکه همینطور که فرمودند مسئله خیلی کوچک است همانطور که در لایحه ذکر شده است دایره وزارتی کافی خواهد بود.

رئیس - در فقره اول از ماده اول گویا مذاکرات کافی است در فقره دوم مخالفی هست؟

حاج شیخ اسدالله - در فقره دوم مینویسد اداره کل تشخیص عایدات و خالصجات و مسکوکات اینجا اولاً مقدم و مؤخر نوشته شده است نوشته شود اداره تشخیص کل عایدات بهتر است

اداره کل تشخیص عایدات خارج از سابق عبارتی است و باید نوشته شود اداره تشخیص کل عایدات و بعد از اینکه این مسئله اصلاح شد آنوقت اداره تشخیص کل عایدات کافی است دیگر لازم بذکر خالصجات و مسکوکات نیست برای اینکه اگر خواسته باشیم عایدات را ذکر کنیم باید عایدات دیگر را غیر از خالصجات و مسکوکات ذکر کرده عایدات منحصراً بخلصجات و مسکوکات نیست تصور میکنم اگر این عبارت تبدیل شود بداره تشخیص کل عایدات و قنات بهمین دو کلمه شود کافی است

سردار معظم مخبر - با تغییر کلمه کل معنی تغییر میکند در اینجا که نوشته شده است اداره کل تشخیص عایدات این کل راجع بعایدات نیست مقصود تعیین درجه این اداره است چون ادارات دیگری هم هست که بعد از این اداره کل هستند بعضی ادارات دیگر هستند که اداره جزء هستند یعنی مرتبه آنها است تر است باینجهت کلمه کل در اینجا نوشته شده است و مقصود کل عایدات نبوده است اما مطلب دیگر که فرمودند خالصجات و مسکوکات ذکر نشود اینطور نیست بجهت اینکه نظر کمسیون فقط تشخیص عایدات خالصجات و مسکوکات نبوده است اگر مقصود این بود شاید نظرش موافق با ایشان بود ولی از خالصجات و مسکوکات عملیاتی غیر از عایدات هست و اداره لازم دارد که متصدی آن عملیات باشد بنابراین خالصجات و مسکوکات هم ذکر شده است

مدرس - گمان میکنم این ماده را که ما نمی فهمیم اگر بدست دیگران هم بیفتد نفهمند اصل اداره کل تشخیص غلط است زیرا که تشخیص قابل کل و جزء نیست و اما آن فرمایشاتیکه در خصوص خالصجات و مسکوکات فرمودند از این عبارت چنین فهمیده میشود که این اداره سه کار دارد يك كارش اینست که عایدات را تشخیص بدهد كار دیگرش هم اداره کردن خالص است يك كارش هم اینست که مسکوکات را اداره کند از این عبارت که نوشته شده است هیچ مفهوم میشود که خالصجات و مسکوکات جزء همین اداره است در کلیات مذاکره شد که اداره کا عایدات ربطی به اداره تشخیص ندارد

لهذا عقیده بنده این است همانطوریکه آقای حاج شیخ اسدالله گفتند کافی است که در این ماده نوشته شود اداره تشخیص کل عایدات و لفظ خالصجات و مسکوکات را حذف کنند اگر اداره دیگری در تحت ریاست وزیر قرار دادند آنوقت این دو اداره جزء اداره کل عایدات نوشته شود و اداره تشخیص دخلی بداره تشخیص عایدات ندارد در این موضوع دیگر عرضی ندارم و پیشنهادی هم کرده ام

رئیس - پیشنهادی آقای مدرس کرده اند راجع بماده دوم قرائت میشود

(به مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم فقره دوم از ماده اول چنین نوشته شود - اداره تشخیص کل عایدات

رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند بکمسیون رجوع شود؟

سردار معظم مخبر - خیر

محمد هاشم میرزا - این پیشنهاد بکلی معنائی را که در کمسیون مقصود بود از میان برده مقصودمان این بود که اداره کل تشخیص داشته باشیم نه اداره تشخیص کل عایدات اگر این طور باشد مقصود کمسیون از میان خواهد رفت بنده عرض میکنم که کل در مقابل جزء است نه مقصود تشخیص کل عایدات اداره جزء تشخیص و اداره کل تشخیص هر دو باید باشد و همینطوریکه کمسیون رایورت داده است بهتر است

مدرس - بنده عرض میکنم اداره تشخیص ممکن است در مرکز باشد و ممکن است در ولایات شمبات داشته باشد اینکهمیفرمایند در ولایات ادارات دارد مثل سایر ادارات که نوشته اند و لفظ کل را نگذاشته اند و همه را نوشته اند اداره فلان ممکن است منحصراً بر مرکز باشد از این جهت بنده عرض کردم اداره کل عایدات نوشته شود بهتر است زیرا دواير دیگری هم اگر تأسیس شود در تحت این اداره خواهد بود و تصور میکنم اگر لفظ کل در جلو عایدات نوشته شود معنیش این میشود که تمام تشخیص بعهده این اداره است و بهتر است

سردار معظم - در باقی بودن لفظ کل یا نبودن کمسیون اصراری ندارد ولی اگر بخواهند لفظ کل را از اینجا حذف کنند و جلو عایدات بنویسند تصور میکنم فایده داشته باشد

رئیس - مذاکرات کافی است - رای میگیریم در باب قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در فقره سوم مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد)

در فقره چهارم مخالفی هست؟

سلیمان میرزا - عرض کردم که در لایحه وزیر دیون عمومی ذکر شده بود در رایورت کمسیون ذکر از آن نشده گویا مقصودشان این است که در جزء اداره محاسبات نوشته شود اگر مقصود این است باید ضمیمه شود والا باید توضیح بدهند که دیون عمومی و وظایف متعلق بکدام يك از این ادارات خواهد بود

سردار معظم مخبر - اگر چه مسئله اداره دیون

عمومی و وظایف راجع بفقره پنجم است ولی حالاً که مذاکره شد میتوانم که عرض کنم که کمسیون صلاح دانست وظایف همان اداره را بداره محاسبات رجوع کنند و تصور کردیم تمام کارهای آن اداره را اداره محاسبات کل بخوبی میتواند انجام بدهد و برای اینکه موفق بتقلیل ادارات بشویم لازم ندانستیم اداره علیحده ذکر کرده باشیم

سلیمان میرزا - در صورتیکه از وظایف اداره محاسبات است مثل اینکه نوشته اند اداره کل تشخیص عایدات و خالصجات و مسکوکات در اینجا هم ممکن است نوشته شود اداره محاسبات و دیون عمومی و وظایف

سردار معظم - بسیار خوب در ضمن شور دوم اگر کمسیون صلاح دانست نوشته خواهد شد

رئیس - در قسمت پنجم مخالفی هست

مدرس - عرض کردم اداره گمرکات را در عرض سایر ادارات شمردن صحیح نیست در صورتی که گمرکات رسماً يك قسمت از مالیاتهای غیر مستقیم است و آقایان مسبق هستند که ما مالیات های غیر مستقیم خیلی داریم و هر کدام را يك اداره مخصوص نوشتن و در عرض هم قرار دادن يك چیز غریبی است بنده این اداره را در عرض سایر ادارات مالیه نمی دانم ؛ لهذا عرض می کنم

دائرة نوشته شود والا باید سایر مالیاتهای غیر مستقیم مثل اداره تحدید تریاک یا دخانیات یا يك اداره دیگری قائل بشویم و اینها را در عرض سایر ادارات مالیه شمردن وجهی و فلسفه ندارد و به بقضای همین مسئله در کلیات عرض کرده ام که باید يك اداره تأسیس شود اداره وصول کل عایدات باشد و اینها دواير آن ادارات باشد حالا میفرمایند باید علیحده باشد و در عرض سایر ادارات باشد بنده برای این مطلب يك وجهی و فلسفه نمی بینم خوب است آقای مخبر اگر توضیحی دارند بفرمایند

سردار معظم مخبر - اطلاق اسم اداره بداره بسته بوسعت آن کار است مثلاً فرض بفرمایند اداره تحدید تریاک را آورده اند مطابق اداره گمرک قرار دادند این هیچ فلسفه ندارد البته اگر در آن اداره تحدید تریاک هم همان اهمیت که اداره گمرکات ما امروزه دارد پیدا کرد هیچ مضایقه نخواهیم کرد که آنرا در جزو تشکیلات وزارت مالیه يك اداره مهم و مستقلى قرار بدهیم علی الخصوص که در باب استقلال اداره گمرکات يك منافع و مقصودی منظور بود که حالیه چون مفصل است داخل آن نمی شویم

سلیمان میرزا - در این ماده وقتیکه ذکر شمبات وزارت مالیه شده است بجهت اصطلاح ذکر شده است یکی اداره کل یکی اداره یکی دایره اگر مقصود از اداره گمرکات هم مثل اداره عایدات و خالصجات و مسکوکات است باید جزء يك اداره کل ذکر شود اگر از اداره درجه اش باین ترتیب است و دایره فرض شده است باید دایره نوشته شود خوب است آقای مخبر بفرمایند اگر اداره کل است مدیر کل خواهد داشت که لفظ کل بر آن ضمیمه شود و اگر اداره نیست دایره وزارتی است دائرة وزارتی نوشته شود

مخبر کمسیون - بعضی ادارات است که اداره کل است و مدیر کل خواهد داشت و بعضی هستند که اداره هستند و بعضی دواير در تحت آن اداره است ولی لفظ کل بر آنها اطلاق نمیشود بعضی هم دایره هستند که در تحت ادارات و اداره گمرکات بین اولی و سومی است و چون دارای شمبات متمده است نه دائرة است نه اداره کل

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد در جزء ششم مخالفی هست؟

حاج امیر نظام - چه ضرر دارد که در عرض کلمه تطبیق حوالجات همان دیوان محاسباتی که برای آن قانون هم نوشته شده است تشکیل شود دیگر محتاج نشویم به این کمسیون و کمسیون تطبیق حوالجات را تبدیل بدیوان محاسبات کنیم

مخبر - کمسیون تطبیق حوالجات يك کمسیون موقتی است و دوات در صدد است که تجدید نظری در قانون دیوان محاسبات بکند و این کمسیون موقتی است و قائم مقام دیوان محاسبات خواهد بود و هیئت دولت پس از آنکه در قانون محاسبات تجدید نظر نمود آنوقت دیوان محاسبات تشکیل خواهد شد و این کمسیون موقتی منحل خواهد شد

حاج امیر نظام - عرض بنده اینست که مالیه روح مملکت است و قانونیکه برای مالیه مملکت نوشته میشود باید طوری باشد که تغییری لازم نداشته باشد و تمام موادش واضح باشد و از روی کمال دقت نوشته شود و از نظر نمایندگان بطور صحت بگذرد چنانچه تجربه ما نشان داده است قانون (۲۳) کاز مجلس گذشت تمام نمایندگان یعنی اکثریت مجلس آنرا تصدیق کردند بعد بواسطه بعضی مشکلاتی که در آنجا جا گرفته مورد تنقید واقع شد بعد رجوع کردیم بنمایندگان که در سابق در مجلس بودند بعضی گفتند که این قانون نظر بشخص خزانه دار بود که از مجلس گذشت بعضی گفتند که دقتی در این قانون نشده حالاً که این قانون از مجلس میگذرد بنده گمان میکنم يك جلسه یادو جلسه بایشتر در مجلس مقدس مطرح مذاکره بشود و از روی دقت و بصیرت يك قانونی تصویب شود که بعدها چه در نظر نمایندگان چه در نظر عامه مردم اسباب اشكال نباشد بهتر است

رئیس - حالاً شور اول است درین شور اول و شور دوم موافق نظامنامه انقلابید پنج روز فاصله باشد و در شور دوم ممکن است هر کس نظریاتی دارد اظهار کند و البته در این مسائل دقت خواهد شد

مخبر - بنده در يك قسمتی فرمایشات آقای حاج امیر نظام که مالیه روح مملکت است و باید در قوانین دقت شود هم عقیده ام و مخالف نیستم و مسلم است در این مسئله هیچ شک نیست و همانطور که آقای رئیس فرمودند در شور دوم هر کس نظریاتی دارد اظهار میکند و بدیهی است که باید قانون از روی دقت بگذرد و هیچکس نمیگوید که نباید در قانون دقت نشود - اما اینکه فعلاً کمسیون تطبیق حوالجات باشد یا اینکه فوراً شروع کنیم بدیوان محاسبات البته مطالعه فرموده اید که قانون دیوان محاسبات يك تأسیس مهم خیلی بزرگی است و تصور

میکند که قانون دیوان محاسبات چندان موافق مقتضیات مملکت نوشته نشده است و چندان موافق مصالح امروزه نیست پس لازم هست که تجدید نظری در آن بشود حالا امر دایر است بین اینکه يك هیئتی قائم مقام دیوان محاسبات بشود و یا تمام اختیارات بوزیر مالیه داده شود اگر کمسیون تطبیق حواله نباشد طبعاً اختیار حوالجات بدون طی کردن هیچ يك از درجات مقدماتی واگذار بوزیر مالیه میشود و تصور میکنم این مسئله چندان خوب نباشد بجهت اینکه همانطور که دیدیم و فعلاً از جمع کردن تمام اختیارات در يك مرکز تعاشی داریم همین قضیه باید يك سرمشقی برای ما شده باشد و کلیه مقید باشیم که اختیارات را تقسیم کنیم مابین ادارات و اشخاص مختلفه و طوری رابطه بین اشخاص و دواير را ترتیب بدهیم که مجموع عملیات آنها منتج بیک نتیجه مطلوبه برای مملکت بشود و از این نقطه نظر است هم خود دولت وهم کمسیون تقاضا کردند يك هیئت کوچکی با وظایف مختصری قائم مقام دیوان محاسبات باشند تا اینکه يك تجدید نظری در قانون محاسبات بشود در این صورت بنده هیچ اشکالی در این مطلب نمی بینم

حاج امیر نظام - بنده عرض میکنم مخبر محترم این نکته را تصدیق دارند که نباید اختیارات بدست وزیر مالیه نوهی داده شود ولی اجازه میخواهم عرض کنم که اگر نمایندگان محترم صلاح میدانند يك موقعی و یکمدهتی برای تطبیق حوالجات قرار دهند که در این مدت قانون دیوان محاسبات از مجلس بگذرد و آن چیزهاییکه مناسب حال و مزاج حالیه مملکت ما نبوده اصلاح شود و يك قانون دیوان محاسبات معتدل و صحیحی از مجلس بگذرد و داخل ادارات وزارت مالیه شده بجماری خودش سیر کند

میرزا فاسم خان - بکقسمت از فرمایشات آقای حاج امیر نظام راجع بکلیات است و همانطور که فرمودند قانون باید خیلی بسیط باشد که باعث محظورات نشود ولی باید در نظر داشته باشند قوانینی که بی تجربه از مجلس میگذرد همان محظوراتی را دارد که قانون (۲۳) جزوا داشت و آن قانون وقتی از مجلس گذشت که ما بهیچوجه من الوجوه تشکیلاتی در مالیه ندادیم بودیم

حالا هم این مطلب محتاج به خیلی از مقدمات است که هنوز در مملکت ما وجود ندارد و یکی از آنها بودجه است اگر ملاحظه فرمایند می بینند که بهیچ وجه من الوجوه بودجه مرتبی نداریم و تازه دو سه فقره بودجه بکمسیون بودجه مجلس آمده است و از آنجا باید بمجلس بیاید پس از آنکه بودجه مملکتی گذشت آنوقت نمیتوانیم قائل شویم که دیوان محاسباتی داشته باشیم و حوالجات از دیوان محاسبات صادر شود

بعلاوه دیوان محاسبات وظایف دیگری هم دارد که هیچکدام از آنها موجود نیست و به عقیده بنده این کمسیون يك مقدماتی برای دیوان محاسبات فراهم خواهد کرد در اینصورت بعقیده بنده همان چیزها که دولت پیشنهاد کرده باید مجلس قبول کند

رئیس - مذاکرات کافی است در فقره هشتم مخالفی نیست (گفته شد خیر)

در جزء نهم ایراد هست؟

نظام السلطان - در اینجا نوشته شده است مجلس مشاوره عالی و برای او يك تکلیفاتی معین می کند من جمله تشکیل آنرا مینویسد هر کب است از ۴ نفر از رؤسای ادارات در صورتیکه این مجلس مشاوره عالی در واقع محکمه استنبافی مالیه است یعنی اگر کسی شاکی باشد در آنجا باید رسیدگی شود در صورتی که اعضاء آن از خود رؤسای ادارات باشند تا يك اندازه رفع شکایت مردم نمیشود

بعلاوه این مجلس مشاوره را هم مجلس موقتی میشمارند که در موقوع احتیاج و ضرورت باید تشکیل شود بنده عقیده ام این است که مجلس مشاوره باید صورت رسمیت داشته باشد و اعضاء آن منحصراً به ۴ نفر از رؤسای ادارات نباشند بلکه باید این مجلس را در تحت ریاست وزیر قرارداد که چهار نفری را خود وزیر معین کند که مسئولیت اداری نداشته باشد تا محظورات پیدا نشود

منقصر السلطان - مجلس مشاوره که در اینجا ذکر شده است استنبافی نیست این محکمه راجع بامور اداری است که از اشخاصیکه در دواير وزارت مالیه هستند شکایتی بشود باین مجلس رجوع شود و برای اعضاء مالیه دو تصمیم می توان ملاحظه کرد یکی اینکه تقصیر راجع بامور مالیه است و يك تصمیم راجع بامور جزائی است و راجع بامورائی است که بمجلس مشاوره عالی رجوع میشود و رسیدگی بآن تقصیر میکنند در اینصورت بایستی چهار نفر از آن مدیران که در این قانون ذکر شده حاضر شوند و در آن موضوع معاکره و رسیدگی کنند باین ملاحظه است که نوشته شده است چهار نفر در تحت ریاست وزیر مالیه یا معاون او رسیدگی و معاکره کنند و این مسئله مربوط باین نیست که اشخاص از خارج باشند و این معاکرات معاکرات اداری است و باید از اعضاء اداره رسیدگی کنند

محمد هاشم میرزا - بنده تصور میکنم که خارج از موضوع شده اند زیرا که این مسئله راجع است بمجلس مشاوره عالی و این اعتراض که با افراد و اعضاء آن میشود راجع بماده پنجاهم است مقصود این است که فقره نهم راجع بیک مجلس مشاوره عالی است اگر توضیح مشاوره عالی را میخواهند که خیلی خوب والا داخل شدن در جزئیات آن راجع بماده ۵۴ است

نظام السلطان - مجلس مشاوره عالی که تشکیل میشود باید نتیجه از آن گرفته شود موقتی هم که باشد و دائمی هم نباشد وقتیکه افراد آن از خود آن اداره باشند و يك چیزی را تصدیق یا تکذیب کرد بعقیده من تا يك اندازه نتیجه آن مشکوک میشود

سردار معظم - اگر چه بنده هم عقیده ام این است که این مسئله در ضمن وظایف مجلس مشاوره عالی مذاکره شود ولی حالاً که مذاکره میشود عرض میکنم این محکمه محکمه اداری است و باید بشکایات مردم از اعضاء وزارت مالیه رسیدگی کند برای اینکه در خدمت مأمورین مالیه يك ثبات و دوامی باشد و آنها خودشان را مستخدم واقعی دولت بدانند و فقط اراده بکنند برای تغییر و انفصال آنها کافی نباشد باین جهت مامورین میشدیم که يك محکمه جزائی برای رسیدگی بتقصیرات

مأمورین وزارت مالیه تشکیلاتی شود که آن مجلس مشاوره عالی است حالا میفرمایند این مجلس مشاوره عالی و این محکمه اداری باید از اشخاص خارجی مر کب شود بنده تصور میکنم چیز فریبی خواهد بود بجهت اینکه تقصیر اجزاء آن اداره را باید آن اداره رسیدگی کند و خود آنها برای این اشخاص یکجهاز آتیهائی معین کنند و الا وزیر مالیه اگر برود یک اشخاص خارجی را دعوت کند که بیایند اجزاء مراعات که نمایند این چیز فریبی خواهد بود

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد آقای مدرس یک پیشنهادی کرده اند که یکقره هم بعنوان اداره وصول کل عایدات اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم باین ماده الحاق شود توضیحی دارید بفرمائید تا ببینم آقای مخبر قبول میکنند یاخیر

مدرس - در توضیح این مطلب گویا خیلی مذاکره شد مقصود بنده این است اگر آقایان تأمل بفرمایند و آقای مخبر هم صلاح بدانند این پیشنهاد را موقتاً قبول بفرمائید تا در کمیسیون مطرح مذاکره شود که آیا تشکیلات مالیه محتاج باین اداره هست یا نیست عقیده بنده اینست که تشکیلات مرکزی محتاج یک همچو اداره در عرض سایر ادارات هست اینکه پیشنهاد کردم اداره وصول کل عایدات برای اینکه تمام اختیارات که در وزارت مالیه است در حقیقت مجزی شده باشد آقایان فرمودند مجزی شده صحیح است بعضی مجزی شده است و همین مسئله وصول و خرج باقی مانده است و باین پیشنهاد تمام اختیارات از هم مجزی خواهد شد

رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند کمیسیون رجوع شود؟

سردار معظم - خیر بواسطه اینکه این مسئله را بکلی منافی با اصول تشکیلات این قانون میدانم بعلاوه ایجاد این اداره در مرکز لازم است ایجاد چند شعبه است و در یک موقع میتوان اداره تأسیس کرد که احتیاج به آن اداره داشته باشیم در صورتیکه اختیارات را محدود نموده ایم مالیه اجازه نمیدهد که تأسیس این اداره بنمائیم معین است که وصول محدود شده است مخارج هم محدود شده است و تادیه مخارج ما محدود بحدود معینی شده است معاکمات داریم برای مردم مرجع تظلمی معین شده است بعلاوه یک مجلس مشاوره عالی یعنی یک محکمه اداری هم داریم و اگر مأمورین مالیه نسبت به مردم تعدی کنند در آنجا که محکوم خواهند شد در اینصورت بعقیده بنده هیچ لزومی ندارد که علاوه بر این ادارات یک اداره وصولی را هم معتقد شویم و در وزارت مالیه تشکیلات کنیم باز تشکیلات آن در مرکز یک چیزی است ولی آیا وظیفه این اداره در ولایات چه خواهد بود و آیا ایجاد این اداره در مرکز لازم است ایجاد چند شعبه در ولایات نیست؟

بعقیده بنده چون لازم است و نه دارائی ما اجازه میدهد همچو تاسیسات فوق العاده تأسیس کنیم باین جهت گمان میکنم نتوانیم این پیشنهاد را قبول کنیم

مدرس - آقای مخبر در اظهارات خودشان معسنت تشکیلات را میفرمایند بنده آن معسنت را که منکر نیستم و خیلی از هیئت دولت و کمیسیون ممنون هستیم که یک همچو قانونی حاضر کرده اند

هر چه بنده عرض میکنم چشمش کور است میگویند دستش خوب است بنده خوبی دست را قبول دارم بنده عرض میکنم متحد بودن اداره وصول که جمع باشد یا خرج خوب نیست میفرمایند خرج بر میدارد و حال آنکه اینطور نیست همین مأمورین که در ولایات هستند ممکن است مالیات را وصول کنند فقط یک اداره در مرکز باید تشکیل شود و شعبش در ولایات از همین مأمورین حالیه باشند که مالیات را بگیرند و بجزانه داری تحویل بدهند و اداره خزانه داری فقط تحویل بگیرد و هیچ دخالت در کاری دیگر نکند و در اینصورت نه خرج زیاد میشود و کار هم اصلاح شده است میفرمایند اگر اشکالاتی پیدا شد معاکمات رفع میکند فرض ما این است یک کاری بکنیم که اشکال را بر دلایم و هم ما ممکن اشکال پیدا نشود نه اینکه اشکال پیدا شود بعد رفع کنیم و تصور میکنم اگر این پیشنهاد را قبول فرمایند بهتر است

سردار معظم - گویا آقای مدرس در عرض بنده دقت نکردند و الا نمیفرمودند که من میگویم چشمش کور است میگویند دستش خوب است همه تصدیق دارند که جمع و خرج نباید در یکجا جمع شود اما چه جمع و خرج و خرجی که معین نباشد بلی در صورتیکه جمع و خرج بیک حدود معینی منحصر نباشد بنده هم عقیده ام با آقای مدرس همراه است که باید جمع را بیکدست گرفت و خرج را بیکدست گرفت ولی در اینجا اینطور نیست در اینجا وقتیکه ما قائل با اداره تشخیص شدیم و تهیه جزء جمعها را بیک اداره واگذار کردیم و خزانه را

از آن اداره منگ کردیم و خزانه را مکلف کردیم که حق نداشته باشد از حدود خودش تجاوز کند و مطابق آن صورتهائی که یک اداره دیگری داده است باید رفتار کند در اینصورت به عقیده بنده چندان فرق نمیکند پول را بر طبق صورت یک اداره بگیرد و مطابق تصویب یک اداره دیگری تحویل میدهد بنده حقیقه وقتی فکر میکنم می بینم تفاوت چندانی حاصل نمیشود اگر اداره خزانه خودش را مقید و محدود بحدود معین نمیدانست و مختار بود هر چه میخواست میکرد آن وقت بنده هم با عقیده آقا همراه بودم و کامل فرمایشات ایشان را تصدیق میکرد ولی چنانچه عرض شد خزانه داری راجع بجمعش محدود است بصورتها و جزء جمعها اداره تشخیص راجع بخرش باز هم خودسر نیست و مقید است به تصویب کمیسیون تطبیق حوالجات و اصل حواله که وزیر مالیه صادر میکند چه در حوالجات مستقیم و چه در حوالجات اعتباری باید دو وجه را طی کند تا برسد بوقوع تادیه اما اینکه فرمودند این تولید هیچ خرجی نخواهد کرد بنده تصور میکنم که اینطور نباشد و خرج درست دو برابر خواهد شد در هرصورت باید معتقد شونم که خزانه مکلف به تادیه مخارج است این مخارج مسلم است منحصر بظهران نیست در تمام ولایات جزء هم مخارج هست آیا بتوسطه کی آن

مخارج را باید بدهد البته البته بتوسط مأمورین خودش خواهد بود خزانه باید متصدی مخارج بشود و طبیعاً بهمین جهت باید معتقد شویم که خزانه حق نگاهداری مأمورین مخصوصی از ادارات کل و جزء خواهد

داشت حالا میفرمایند که یک اداره جمعی هم در وزارت مالیه در مرکز برای وصول مالیاتها تشکیل کنیم باز هم مالیاتها منحصر بر مرکز نیست در تمام ولایات هم مالیات هست پس اگر مطابق نظر آقا رفتار کنیم باید در هر نقطه یک مأمور جمع و مطابق آن یک مأمور خرج داشته باشیم و باین ملاحظه معارجی نیست دو متقابل خواهد بود و نقداً یک یولی نیست که اجازه تحمل این مخارج را بدهد و با محدود شدن ادارات خزانه و تشکیلات وزارت مالیه بیک حدود معین قانونی بنده مخالف باین ترتیب هستم

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد پیشنهاد آقای مدرس قرائت میشود و در قابل توجه بودن آن رأی میگیریم

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده الحاقیه - دهم اداره وصول عایدات در مالیات های مستقیم و غیر مستقیم

رئیس - آقایان بیکه این ماده را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(هند قلیلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد - آقای میرزا عیسی خان این پیشنهاد گویا از طرف جناب عالی است؟

میرزا عیسی خان - بلی
رئیس - با ماده ششم نظامنامه داخلی موافقت ندارد ماده دوم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده دوم - کلیه ادارات مذکوره در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهد بود

حاج امیر نظام - در این سه سال که اختیار کل با خزانه داری بود بحکم تجربه دیدیم یکصد هزار تومان مصارف اداره مالیه بسه کرور الی چهار کرور رسید و اینکه در اینجا نوشته اند اجزاء بقدر لزوم

رئیس - مذاکره در ماده دوم است اینکه میفرمائید راجع بماده سوم است

حاج امیر نظام - بلی اشتباه کردم
آقاسید فاضل - در ماده دوم میگوید تمام ادارات مذکوره در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهد بود

بنده عرض میکنم که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت خواهد بود و بمناسبت اینکه وزیر مالیه مملکت است خوب است لفظ (در تحت ریاست) بلفظ (در تحت مسئولیت وزیر مالیه) تبدیل شود

سردار معظم مخبر - بعقیده بنده خوب است آقاسید فاضل ترجیح بدهند همین جمله را که در راپورت کمیسیون نوشته شد بجهت اینکه از این ترتیبی کدر کمیسیون نوشته شده است در مقصود حاصل میشود و آنطور که آقا میفرمایند یک مقصود حاصل میشود وزیر مالیه صحیح است که مطابق قانون اساسی مسئول مالیه مملکت است و بعقیده بنده لازم نیست داخل در قانون اساسی بشویم در اینجا مقصود تعیین مسئولیت وزارت مالیه نبوده است و از اینکه لفظ ریاست عوض مسئولیت نوشته شود مقصود آقا محکمتر میشود زیرا وظایف ریاست در مسئولیت محکمتر میباشند

مدرس - در این قسمت نوشته شده است

ریاست مستقیم بنده پیشنهاد کردم (مستقیماً در تحت ریاست) نه ریاست مستقیم و آن عبارت هم که مسئولیت باشد البته وزیر وزارتخانه و اداره مسئول آن وزارتخانه و اداره میباشد ریاست هم معنایش همین است ولی نوشتن آن هم ضرر ندارد

لهذا آنجا پیشنهاد کردم که (مستقیماً در تحت ریاست و مسئولیت وزیر مالیه خواهند بود)

سلیمان میرزا - در اینجا نوشته شده است که کلیه ادارات در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهند بود باید دقت کرد که در ماده فوق فقط لفظ ادارات نیست کمیسیون تطبیق حوالجات و پرسنل و مجلس مشاوره عالی برای معاکمات نیز هست وقتیکه این ماده باین ترتیب نوشته شده باشد میتوان سوم تصور کرد که فلان محکمه با فلان دائره در تحت ریاست وزیر مالیه نیست فقط آن چه که اسم

اداره بر آن تعلق میگیرد در تحت ریاست وزیر مالیه است و بعلاوه باید دید تشکیلات وزارتخانه ها وقتیکه گفتند دائره در تحت ریاست یک اداره است باید معلوم شود که هر دائره در تحت ریاست کدام اداره است و در مواردی که ذکر شده است ارتباط آن دوائر با ادارات معین شده بود وقتیکه نوشته میشود کلیه ادارات مذکور در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهند بود آن دوائر را هم شامل بود چون این ارتباط منظور نشده معلوم نیست که ترتیب دوائر از چه قرار

است در صورتیکه در ماده ششم هم ذکر شده است رؤسای دوائر ادارات مذکوره بتصویب رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب میشوند وقتیکه این دورا با هم تطبیق کنند و بهلوی هم بگذارند و مقابله کنند معلوم نیست که رئیس دائره پرسنل و منزومات را رئیس کدام اداره باید یوزیر پیشنهاد بکنند تا وزیر حکم بدهد بنابراین بنده خیال میکنم عوض کلیه ادارات (کلیه ادارات و دوائر) یا (کلیه تقسیمات فوق) که شامل تمام آنها بشود نوشته شود بهتر است تا آنکه کمیسیون برای موقع شور و دوا ارتباط دوائر که در اینجا اسم برده شده است با ادارات معین نمایند

سردار معظم - این ایراد چندان وارد نیست بنده مخالفتی ندارم لفظ دوائر هم اضافه شود ولی زیادی است زیرا هر دائره لازم نیست حتماً در تحت یک اداره باشد بلکه ممکن است یک دوائر مستقلی باشد چنانچه دائره پرسنل که در تحت ریاست وزیر مالیه است بدون اینکه در تحت حکم یک اداره باشد با این ترتیب اگر لازم بدانند لفظ دوائر اضافه میشود

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد - آقای مدرس پیشنهادی کردند اگر قابل توجه شد کمیسیون رجوع میشود

(پیشنهاد مدرس بمضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست و مسئولیت وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - اصلاح عبارتی دارد و یک لفظ مسئولیت اضافه کرده اند

سردار معظم مخبر - چون مقصود جزئی است رجوع فرمایند کمیسیون

رئیس - اگر مخالفتی نباشد جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده روز شنبه سه ساعت بغروب خواهد بود دستور هم مذاکرات در قانون تشکیلات مالیه و رسیدگی بامتیازنامه های راجع با آقای میرزا عیسی خان و آقای حاج اعتبار السلطنه خواهد بود مجلس تقریباً یکساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۲۶

صورت مشروح مجلس روز شنبه نهم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳

مجلس تقریباً یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای دکتر اسمعیل خان مؤدب السلطنه نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه هفتم قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقای حاج امام جمعه - حاج میرزا شمس الدین - حاج شیخ اسمعیل

غائبین با اجازه - آقای ارباب کبخی و آقای ناصر الاسلام

نایب رئیس - ملاحظاتی در صورت مجلس نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد مذاکرات امروز در بقیه قانون تشکیلات مالیه است مطابق راپورت کمیسیون

(ماده سوم از پیشنهاد وزیر مالیه بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده سوم - ادارات مزبور هر یک در تحت ریاست یک نفر رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت باستثنای مجلس مشاوره عالی که ترتیب آن در ماده (۵۰) مذکور است

(راپورت کمیسیون قوانین مالیه بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده سوم - ادارات مزبور هر یک در تحت ریاست یک نفر رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت به استثنای مجلس مشاوره عالی که ترتیب آن در مواد (۵۴) و (۵۵) مذکور است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم اگر اینجا یک لفظی اضافه شود بهتر است زیرا که ادارات بعضی دوائر دارند و اسمی از آن دوائر برده نشده است باید نوشته شود در تحت ریاست یک نفر رئیس بوده بقدر لزوم دوائر و اجزاء خواهند داشت

سردار معظم مخبر - مقصود این نیست که ادارات را منقسم بدوائر بکنند و تقسیمات او را معین نمایند مقصود این است که این ادارات هر یک در تحت ریاست یک نفر خواهد بود و البته بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت

حاج امیر نظام - بنده هیچ مضمون ندارم بقیه و متمم عرض پریروز خودم را که با اشتباه نمره عرض کرده بودم مجدداً عرض کنم و آن اینست که در این ماده نوشته شده است اجزاء بقدر لزوم و بحکم تجربه ما دیدیم در این ۳ سال هر قانونی که از مجلس گذشته تا چهار حقوق اجزاء منوط بود به آمدن بودجه در مجلس ولی هیچوقت ندیدیم بودجه به مجلس بیاید همینکه آن قانون از مجلس گذشت هر رئیس بمناسبت همین لفظ (باندازه لزوم) برای خودش اجزائی تشکیل داده و مخارج مالیه ما از صد هزار تومان بچهار کرور رسید در این ۳ سال تمام

سردار معظم مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

ادارات مالیه در حقیقت راجع بجزانه داری بود و حالا که بجهت قسمت منقسم شده است تصور میکنم هر یک از روسای آن ادارات تصور خواهند کرد لفظ بقدر لزوم یک اندازه است که باید همان قدری که خزانه داری برای تمام تشکیلاتش اجزا لازم داشت اینها برای یک دائره یا یک اداره اجزا حاضر بکنند بنده عرض میکنم مالیه و ثروت مملکت ما مقتضی این همه خسارت و مخارج نیست باین جهت بنده هیچ مضمونی بیستم که وزیر مالیه همه اشخاص را که باید در این اداره مستخدم شوند با بودجه حقوق آنها را بهمین زودی بکمیسیون بودجه بیاورد که از یک مخارج فوق العاده که ثروت مملکت ما اجازه آن را نمیدهد محفوظ بمانیم

مجلس الدوله - این فرمایشاتی که نماینده محترم کردند بنظر ام اگر دقت بفرمایند این تشکیلات و این ادارات یک چیزی نیست که تازه احداث شود و یک چیزی نخواهد که از نو بخواهد تأسیس کنند و در این قانون هم اسم برده نشده است که این تاسیسات را از نو تجدید بکنند تا باهت تمدن اجزاء و از زیاد مخارج شود برای اینکه در اداره خزانه داری که تا (۲۶) حوت بود و قانون آن نسخ شد همین ادارات باسم خزانه داری با یک عده اجزاء زیاد و یک حقوق غیر مناسب بی اندازه موجود بود و حالا هم همان ادارات است که از خزانه داری تقسیم و مجزی میشود و مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود و تفاوت خرج از برای ما خیلی خواهد بود یعنی از حیث تنزل و ابتدا اضافه خرج پیدا نمیشود بلکه از روی اطلاعاتی که شخصاً دارم وزارت مالیه قریب هفت ماه است کمیسیون تشکیلات داده در بودجه مالیه دقت میکنند و یک تفاوت کلی در تقلیل مخارج برای ما پیدا شده است گمان میکنم بعد از اینکه آگاه شوند که این ادارات و تشکیلات تازه نیست و همان اداره خزانه داری است که اسامی مختلف دارد آنوقت قانع خواهند شد که این ماده مضر نیست و هیچ محتاج نخواهیم بود که صورت اجزاء را بیاورند و بودجه مرکزی وزارت مالیه هم حاضر است گمان میکنم عنقریب مجلس بیاید و خیلی از برای دولت مقرون بصرفه خواهد بود

سلیمان میرزا - چنانکه در جلسه قبل عرض آقایان رسانیدم در وزارت مالیه هم اداره موجود است و هم دائره اینجا هم مثل ماده دوم نوشته شود ادارات و دوائر مذکوره هر یک در تحت یک نفر رئیس بوده زیرا اگر نوشته شود ماده ششم یک چیز فریبی میشود زیرا که در ماده ششم ذکر شده است رؤسای دوائر ادارات مذکوره پس باید در اینجا اسمی از رؤسای دوائر وارد شود بواسطه اینکه همانطور که اداره رئیس دارد دائره هم رئیس دارد و در خصوص خرج هم که اظهار فرمودند اختیار مطلق با مجلس است وقتی بودجه ما بکمیسیون آمد بکمیسیون بودجه رجوع میشود و کمیسیون بودجه و مجلس آتندی را که زیاد میدانند تصویب نخواهند نمود

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بماده ۳ نیست